



[illegible]


مجلس شورای
۱۳۰۲



بسم الله الرحمن الرحیم

بدانکه انچه نسخه از هر کجا که به این حقیر رسیده است
یا از روی هر نسخه صحیح که دیده ام نوشته ام
مجموعرا بدقت رسیده و مقابله کرده ام و همه را
صحیح کرده ام و صحیح ملیا شد و از تاریخ یوم پنجشنبه
غره شهر صفر المظفر سنه ١٢٤٠ تحریر پذیرفته است
و درین کتاب را گنج گوهر نام نهاده اند و از هر گونه
علوم بطریق متفرقه دراین کتاب نوشته اند
والله اعلم بالصواب حکمت طریقه اسم
بدانکه اسم الفار چهار مثقال صابون سفید چهار مثقال
سیر نیم کوب یکمثقال اول اسم الفار را

۹۰
برام

خوب نرم کوبیده و صابون را با چاقو تراشیده
و سیر را نیم کوب کرده و داخل هم کرده شیرات
قلیا گرفته و اجزا را در کفچه آهن کرده و در روی
آتش ملایم گذارده و کم کم بخورد آن داده
و با چوب بهم زده تا سیاه شود و بعد در قرع
نموده و قرع را بگل حکمت گرفته و شیشه
قرع را بگل حکمت گرفته و بر روی کوره گذاشته
و دور انرا خاکستر ریخته و آتش نرم دودی
در ان کرده و سر قرع باز باشد اما در اثنای
آتش کردن دود سیاه و زرد از ان بیرون
می اید بعد از ان که دود سیاه و زرد مبدل
به سفیدی گشت سر قرع را مسدود نمایند

ونشانه اون که هر دو سیاه مبدل به سفیدی
شده است یک چوبی را سر از اینه گذاشته
و داخل شیشه میکنند هر وقت که ان اینه
مبدل به سفیدی بیرون امد انوقت سر شیشه را
به بندد و یکدقیقه دیگر همین قسم آتش بمرودی
نماید و آتش شعله انگشد بعد و شیشه را
در روی کوره بگذارد تا سرد شود بعد بردارد و جوهر بالا امد
بگیرد بعد روح نفس و جسد نماید به این طریق که
براده قمر بسیار نازک سه مثقال و یکمثقال آن نیم
از همین جوهر و فرار یکمثقال نیم هر سه را ریخته در فنجان
چینی و ملقمه نماید با انگشت و پی آب و چنین
هم زند یعنی بهم زند خوب و همان فنجان را
گذاشته

گذاشته بر روی کلک آتش ملایم همچنان که
خوب داغ شد با این میگذارد ۲ و [illegible]
گرفته با این طریق زاق سفید و شوره مقابل جوهر را
در قرع و انبیق نماید و قرع را در روی آتش گذارده
و ابی از ان می اید در ظرفی که در زیر انبیق گذاشته
بعد ان آب را گرفته و همان ملقمه که در فنجان
میباشد در روی سنگی سخت و صلایه نموده
و از همان تیزاب قطره قطره کوچک میزند
بر روی سنگ و سحق میکنند صبح تا ظهر و
بعد همان اجزاها را در فنجان چینی میکنند و قدری
زیاک بر دور فنجان مالیده و بگل حکمت
گرفته و به یکمین تا به اسب دس داده باز دراوده

[illegible]

ایضاً ... به همان تیزاب ... صلایه نموده [illegible]

تا سه دفعه بعد برداشته نمک ریز نوزده [illegible]

که ان شاء الله تعالی الاسرار خوب میشود به اتمام [illegible]

و دیگر آنکه قرار رز قرمز بیشتر باشد و باید قرار را قیماً [illegible]

در دستها پاک کرده به قلم بر چه زیاد دیگر قرار [illegible]

هست بیرون آید و دیگر آنکه این نسخه از جناب

شیخ اسمعیل درویش شیرازی که بهترین طرز ها نگار

بدان حقیر رحمت فرموده اند والله اعلم بالصواب

ایضاً برای آنکه عمل دیگر هفت مثقال جوهر

اول جوهر را در پیه آب نموده بعد یک مثقال نمک توزده

و یک مثقال شوره قلم خوب جدا کنند با این طریق

شوره را در ظرفی آب نموده و بعد نمک را در

اندازد

اندازد تا آب شود بعد بریزد در ریگچه و بعد جوهر را آب

کند و دو مثقال دارا شکنه را گرفته و نمک

و شوره را سه حصه کنند و دارا شکنه را هم سه حصه

کنند یک حصه نمک و شوره را بر جوهر زنند

تا در پیه سرخ شود و دارا شکنه را هم سه حصه

نموده یک حصه دارا شکنه میزنند تا پایان آب شود

باز شوره و باز دارا شکنه تا تمام شود بعد یک مثقال نقره

میزنند بر هفت مثقال جوهر و در ریگچه ریخته

هر گاه خواسته باشند اعلا شود هر چه شوره

خالی به او بیشتر میزنند بهتر میشود والله اعلم بالصواب

و این نسخه هم از شیخ اسمعیل درویش شیرازی

بطریق یادگاری برای حقیر داده اند والله اعلم بالصواب

ایضاً بدانکه عمل دیگر در باب شمس تمام شد

بگیرند طوطیای هندی ده مثقال هلیله زرد
۳ مثقال بلیله ۳ مثقال املهٔ ۳ مثقال
این ۳ اجزاء را اینجا نرم میکوبند که بسیار نرم شود و
آنوقت طوطیا را علاحده بسیار نرم بکوبند
و بعد از آن طوطیا را بکنند در میان پیاله چینی و بعد از آن
بیاورد قدری فدک قرصی را که تمام روی
پیاله را بگیرد و بعد از آن این ۳ اجزاء را در بالای
همان فدک که در روی پیاله میباشد میگذارند
و آنوقت قدری آب پیاز بریز روی این اجزاء
و داخل هم کن که مخلوط شود و آب پیاز بقدر
نیم وقیه باشد و نیم وقیه را سر ریز بکنند و روز

بعد ازان ۱۱

بگیرید این را بریزند و بگذارند در سایه باشد روز چهارم
فدک را بردارند و هر جاهایی که در روی فدک
هست همه را بریزند بعد از آن در هر پیاله مس نازکی
چسبیده است باید با سر چاقو آن مس ها را
بگیرند اگر خوب گرفته شود یکمثقال مس دارد
و اگر بد گرفته شود نیم مثقال مس دارد بعد از آن
که آن مس گرفته شد آن طوطیا را بریزند دور
که بی مصرف میباشد آنوقت اگر نیم مثقال
مس است نیم مثقال هم نقره و اگر یکمثقال
مس است یکمثقال هم نقره اول نقره را آب کن
و بعد مس را انداخته تا اینکه هر دو آب شود خوب
بعد از آن بیاورید سرگین گاو تر هر قدر که باشد

آنوقت همین که این نقره خوب آب شد
آنوقت این سرگین گاو را میکنی در توی بوته
و با یک چوب بیتپانی خوب تا وقتی که این
نقره بسته شود آنوقت باز این نقره را آب
میکنند و باز به این طریق تا ۳ دفعه حکما هم
این طلا شده است آنوقت اگر ده مثقال
مس است ده مثقال هم نقره داخل کرده اند
ده مثقال هم طلای خوب اعلا هم مایه بزنند
اگر هر آنگاه یکمثقال مس است و یکمثقال نقره
یکمثقال هم طلای ده بوتی مایه بزنند ده یک مایه
میخواهد تا دانید آنوقت مثقال بچهار میخرند
انشاء الله تعالی والله اعلم بالصواب
و انا اعلم

و این نسخه در شیراز به ابن جعفر رسیده و صحیح میباشد
والله اعلم بالصواب

ایضاً

در باب عمل قمر بدانکه بگیرند آهک ۲ مثقال
قلیاب ۲ مثقال اول قلیاب را خوب نرم کوبیده
از تافته بیرون کنند و بعد با آهک داخل هم کنند
و در میان شیشه کنند تا ۳ روز و ۳ شب
در آفتاب گذارند بعد حل و علاقه نمایند بعد از آن
یکمثقال گوگرد زرد و یکمثقال از این آب با هم صلایه
نمایند باز این ده را که صلایه کرده گرفته در میان فنجان
کنند و ده مثقال آب تیزاب در بالای این
ریزند و در روی آتش ملایم گذارند تا همه بجوشد
و صفت شود آنوقت نیک نکند این را بزنند

برده نخد نقره اما نقره را آب کرده و این نقره مکلس شود
یعنی خاک شود یکی از این نقره بر چهار مثقال زیبق
ملغمه شده که به نقره ملغمه شده باشد صلایه کنند
به آب یعنی به تیزاب بجزاران در میان طاس
چینی کنند و سر طاس را با سفیده تخم مرغ
و آهک و کرباس بگیرند و یکشب دم دهند
و صبح بیرون آورند اما دم این هم یکبار کس
به این آب میخواهد و صبح که او را از دم بیرون
آورند او را آب کنند که نقره اعلا خواهد بود
والله اعلم بالصواب و این نسخه در شیراز به این
حقیر رسید و صحیح عمل شد والله اعلم بالصواب

ایضا نسخه در باب ثبوت شنجرف عمل شد

بدانکه روح یکی زیبق نصف آن ملغمه کنند
سه وزن آن گوگرد سحق نموده داخل هم کنند
در کفچه حدید آتش دهد تا کبریت تمام بسوزد
باز صلایه کنند دو دفعه هم بوزن آن
گوگرد داخل کنند و آتش دهند تا بسوزد
آخر خاک سیاهی خواهد بود ده مثقال از آن
شش مثقال نوشادر و سه تا شوره بادار آنکنه
داخل کنند و روغن کنند یکی این روغن
دو تا خاکه شنجرف داخل کنند در میان
ظرف چینی یا شیشه سر بسته دم دهد
که شنجرف ثابت میشود والله اعلم بالصواب
و این نسخه از میرزا محمد علی سنگ تراش قمی به

این جوهر رسیده و صحیح میباشد والله اعلم بالصواب

ایضاً در باب عمل قمر بدانکه اگر خواهی قمر

شش مثقال زیبق و ده مثقال قلع داخل هم کرده در دیگی

گذارد که گرم شود بعد این ملغمه را با هشت مثقال

سنگ انار سفید مخلوط کنند و یکروز سحق و صلایه

کنند بعد شش مثقال لا سرخ داخل کنند

و شش مثقال هم جوهر زرنیخ اعلا داخل نمایند

و شش مثقال هم نشادر افتابی داخل نمایند

و اینها همه را سحق و صلایه نمایند و با بیست مثقال

زاک خمیر کنند با آب بعد از ان قدری کتیرا را

خمیر کنند و حبه این اجزا کرده و در میان طا

سطین حدید گذارد اما میان طاسطین را

ابکی

زاک مالیده شد و قبل او را با لاسرخ و سفیده

تخم مرغ نموده و دو طاسطین را سحق نمایند

و بعد از گل حکمت گرفته و خشک نمایند و بعد از ان

یکشب و یکروز در زیر این آب و مس نمایند

اما به این آب بقدر پنج شش من بوده باشد

بعد از ان از و مس بر اورده در سر کوره آتش

نصبه روز از آتش خوب کنند بعد سرد و اورده

و بقدر دو مثقال نقره اعلا آب نموده و این

اجزا را کم کم بخورد ان ده مثقال نقره دهد بالتمام

همه اجزا را آب شود در ریخته ریخته و بعد از ان باید

یکمثقال زر این ریخته ریخته را بر بیست مثقال زر

مثقال خوب طرح کنند و چهار رنگ سیم

مایه نزنند و در ریچه بریزد که اعلا خواهد بود و بکا
ق میخورد خوب والله اعلم بالصواب ه تم
و این نسخه از ملا محمد علی سنگ تراش قمی از طریق
یادگاری به این حقیر داده اند والله اعلم بالصواب

ایضاً درباب کردن شراب فاروق

بگیرند زاج سفید ده مثقال شوره ده مثقال نمک ترکی
ده مثقال قلیاب اشلان ده مثقال انبهار کوبیده نرم
و در دیگ سنگی نموده و بقدر شش برابر اجزاء آب
نموده در روی اجزاء و جوشانیده بعد از آن نشیمی بدم
دیگ گذاشته تا آب را صاف کند و بگذرد تا نمک او ته
نشین شود همان آب صاف تیزاب فاروق میباشد و
این نسخه از ملا عبدالله آخوند علی محمد به حقیر سپرده والله اعلم بالصواب ه تم
[illegible]

حکمت درباب عمل قمر که حاجی محمد خان [illegible]
یادگاری مرحمت فرموده اند بر آنکه اول باید بگیرند
براده حدید پاک براده شقاق زرنیخ پنج مثقال
این همه اجزا را داخل هم نموده و با یکدیگر بسحق صلایه نموده
مطبوت و بعد از آن اجزاء را در میان بوته گذاشته
و در بوته را بگل گرفته و بعد از تخمین به این آب [illegible]
داده و آن بوته در میان به این فرش لحاف کرده
و یکشب او را دست [illegible] و بعد از [illegible] که سرد شود
او را بیرون آورده و آن اجزا را از میان آن بوته درآورده و در
بوته دیگر گذاشته و یک بوته دیگر روی آن بوته برگردانیده
و بعد از آن بوته [illegible] را سوراخ نموده و گلی بوته را درزهای
بگل حکمت گرفته و گذاشته تا آنکه [illegible] خشک شود و بعد از آن

آن به را در روی کوزه کهنه کذاشته در آتش ... اجزا

بجوشش نشیند و در جوش دربالای ... بالا ...

از تف بکشفت از آن اجزا را بهشت مثقال

نقره محض خوب دهشت مثقال ... نقره آب ...

نقره متغیر ... نقره ... خواهد ... والله اعلم

ایضا بادکاری حاجی محمدخان ...

رحمت الله ... طریقه کرفتن جوهر زرنیخ ...

بر لکه اول الم را ... خوب سحق ... [illegible]

بعد ازان ... باشد و ... [illegible]

... سحق ... بکنند و بعد ازان آن اجزا را

در روی کوزه کهنه کذاشته در آتش ... حکمت کرفته

بکذارد در آتش ... تمام ... آتش ...

بکذارد

... خوب ... برداشته ...

سرد شد بعد ازان اجزا را از روی کوزه ...

خوب شد چهار مرتبه تا هرچه برداد ...

برداشته و بسیاری خوش ... کوده ...

کنند و بعد ازان در روی شیشه بکذارد و ...

از دم صبح تا الا خوابیدن آتش ... کنند

... دست بکشند بکذارد تا صبح ...

برداشته بشکنند هرچه در ته شیشه مانده است ...

و هرچه در کلوی شیشه ... کرده است جوهر ...

والله اعلم بالصواب ایضا

حکمت عمل قرص ... کاری

رحمت الله ... بر لکه اول ... [illegible]

ده مثقال سم الفار سفید ده مثقال جیوه
ده مثقال نوشادر ده مثقال دار تو ده مثقال
جمله اجزا را داخل هم نموده در سنگ صلایه نموده بعد از عرق
که خوب صلایه شود بعد از آن در شیشه قرع نموده و بعد از
پنجاه بوزن شاه زغال زیر آن کرده آتش کنند و آن شیشه را
روی آن کوره گذاشته و بگذارد به حال خود تا آنکه سرد شود
بعد آنچه در گلوی شیشه آمده و آنچه هم در ته شیشه همه را
داخل هم کرده و کشیده هر قدر کسر کرده باشد عقاب
داخل نمایند و باز بطریق اول تصعید نمایند تا سه
دفعه دفعه سیم اجزا را در او رده صلایه نمایند و بعد
ده مثقال مس را آب نموده و یکمثقال از این اجزا
زده کم کم تا خوب به چشم مس برود بعد از آن
پنج مثقال

[illegible]

پنج مثقال یا چهار مثقال هم نقره به او مایه زنند
که انشاء الله تعالی لا محاله صحیح خواهد شد والله
اعلم بالصواب تم ایضاً
عمل قمر یادگاری عالیجناب اخوند ملا عبدالله قمر اخوند
نور چشمی علی محمد علیا شد که فرموده اند خودم تجربه کرده ام
برلعه زیبق یکمثقال سم الفار سفید یکمثقال عقاب یکمثقال
نمک دار تو یکمثقال براده قمر یکمثقال کبریت گاو یکمثقال
برلعه همه این اجزا ها را برابر هم کرده و بعد از عرق
این اجزا ها را سحق و صلایه نموده سطوبت و بعد با روغن
کرحکت خمیر کرده و گلوله نماید و بعد در شیشه قرع
حلالی کرده و آن شیشه را با گل حکمت بگیرند و
گلوی آن شیشه را گل بگیرند بعد از آن کوه والی بکنند

وآن شیشه را با هر قدران که گل گرفته است
در زیر خاک پنهان کنند و سر او را خاک ریخته
مظبوط محکم نمایند و بعد از آن سر گلوی شیشه را
که گل نگرفته است زغال بریزد به آتش کرده
و بدمد تا آنکه گلوی شیشه آب شود و از وقت با
انبر او را به پیچد که در شیشه مهر سلیمانی شود
و بعد همه شیشه را بگل حکمت گرفته و بگذار تا
خشک شود و یک شبانه روز او را در زیر
بر این اسب دم دهند و از سر آتش دهند
و بر این او باید بقدر ده من تبریز باشد بعد از آن
که یک شبانه روز او را دم داده همی که
سرد شد از زیر بر این آن شیشه را در آورده

و شیشه را بشکند

و شیشه را بشکند اجزا را بیرون آورده آنچه
گلوی شیشه چسپیده ضبط نمایند و آنچه هم
به شیشه زغال شده او را هم در آورده علاحده
بکوبند مظبوط و بعد روی آب ریخته سیاهی
او را بگیرد هر قدر که باقی مانده از او داخل آن
اجزا که از گلوی شیشه گرفته نمایند و باز با روغن
کرچک چرب نمایند و گلوله کنند و بعد در بوته
بزرگ کنند و یک بوته کوچک هم بر سر بوته
بزرگ سرپوش کنند و ته بوته سرپوش را
سوراخ نموده و بر روی کوره گذارده و بدمد تا آنکه دود
آن اجزا که در بوته بزرگ ملیا شد بیرون رود
بعد از آن آن اجزا را از بوته در آورده در بوته دیگر آب نماید

[illegible]

و در ریخته رنجبه که اکسیر نمایند هرگاه عقد سیما
سفید و براق و اعلا میباشد که یکمثقال از این عقد
بر بیت و چهار مثقال زهره منقا طرح نمایند و
اگر عقد وسط میباشد یکی بر پانزده زهره منقا
طرح نمایند و چهار رنگ هم مایه دهند
که انشاء الله تعالی عمل صحیح میباشد والله اعلم بالصواب
و این نسخه از جناب جنت مکان ملا عبدالله النجدی معلم
نور چشمی علی محمد و حسنعلی خان بطریق یادگاری
به این حقیر مرحمت فرموده اند والله اعلم بالصواب

ایضاً در باب طریقه ثبوت شنجرف میباشد

نقره اعلا ... شنجرف را گرفته تا نه سائیده باشد و وزن آن
... چهار مثقال بوده باشد هر چند وزن آن ... منت

آب شده از بید در ریخته ... مثقال ... بعد از آن ... نمایند ... بعد از آن ... والله اعلم

بعد از آن بیارد ماش را و خوب نرم بکوبد بعد از آن اورا
خمیر کنند با آب و حبه شنجرف نمایند بعد از آن
در روغن زیتون انداخته و جوشانیده خوب اینقدر
که روغن تمام شود و بخورد آن حبه شنجرف برود اما باید
روغن اینقدر تر بزند که روی حبه را بگیرد بعد از آن
حبه را در آورده و آن شنجرف را از میان آن
حبه در آورده که آن شنجرف ثابت میباشد
آنوقت از این شنجرف ثابت شده نیم مثقال
لاسرخ یکمثقال بلور یکمثقال اول بلور را خوب سحق و صلایه
نموده بعد از آن لاسرخ را هم سحق و صلایه نموده خوب
آنوقت در بوته کرده آب نموده همی که خوب
آب شد یکمثقال قمر اعلا داخل نموده که هر مثقال آن نیم

بعد از آن ... در روغن زیتون ...

شود نظر باید که این یکمثقال بلور داخل حب حباب
نخواهد شد و در بوته خواهد سوخت خلاصه اجزا ان
در همه خوب است یکمثقال سم شمس اعلا بود دو
بوده باشد مابه زن و در ریجه بریز که شمس بسیار
اعلا خواهد بود و صحیح است والله اعلم بالصواب
و این نسخه از محمد زین العابدین خواجه لطیف
یادگاری به حقیر لطف فرموده اند والله اعلم بالصواب

ایضا در باب ساختن مرکب خوب

بدانکه سیاهی خوب آن است که براق و سیاه
درون باشد و اگر در آب افتد نوشته تغییر نکند
و اجزای ضروری او چهار است چنانکه گفته شد
هم سنگ دوده زاک است هم سنگ هر دو

هر دو مازو هم

هر دو مازو و هم سنگ هر چه صمغ انگاه زیره بازو
بستان دو درم دوده چراغ بی نم صمغ عربی در دو
چهار درم مازو و دو درم نیم درم زنگی زاغ از بهر
مرکب شش فروشای بهم و دیگر در سیاهی
ساختن بستان مازوی سبز چهار سیر صمغ عربی
چهار سیر و دوده چراغ یکسیر و زاغ زنگی چهار سیر و
یکسیر آب در چهار سیر مازو کن و هشت سیر آب
در چهار سیر صمغ و سه شب و روز بگذارد و هر روز
یک دو نوبت صمغ را بشوراند بعد از آن مازو را
با یکمن نیم اب در دیگ کند و به آتش نرم
بجوشاند تا به نیمه باز آید پس در روی صمغ
صاف کنند بهم تر ازو و زاک را در مازو نرم کنند

وبسایند و به کرباس محکم به برند و دران آب اندازند
و به‌سلیم برارند و بعد ازان دوده را در هاون کنند
و قطره قطره در وی می چکانند و برهم صلایه میکنند
تا تمام گشته میشود و باز از آب مازو قطره چند
در وی ریزد و صلایه کنند تا سه نوبت بعد ازان
آب مازو و زاج را و صمغ را قطره قطره در وی
میریزد و صلایه میکنند تا آن آب مازو را بخورد
و بعد ازان در شیشه کنند و کتابت کنند والسلام
و دیگر بجهت دفع رایحه نیم مثقال زعفران و
قدری صبر با یکدیگر بسایند و بگلاب حل کرده
در شیشه ریزد و کتابت کنند والسلام
والله اعلم بالصواب و این نسخه

الم

در شیراز به این خبر رسیده و صحیح میباشد
والله اعلم بالصواب ۵ عمل اضافه
در باب طریقه مطلا کاری ملمع به اینکه باید بگیرند یکدانه
اشرفی در بوته را داد از آتش بسیار نازک کنند
که به نازکی ورق کاغذ سفید شود بلکه قدری هم نازکتر بود
وانوقت او را همراه قیچی ریزه ریزه نمایند که مثل ریزه ریزه
ریزه شود انوقت آن ریزه ریزه های طلا را بکشند بقدر
یکمثقال که میزان باشد و بگذارند باشد و بعد ازان
بیاورند زیبق سه مثقال وان زیبق را بریزند در بوته و بوته را
بگذارند روی آتش و دمیده تا وقتی که زیبق خوب
داغ شود و میخواهد فرار نماید انوقت آن یکمثقال طلای ریزه را
بریزند توی بوته و همراه یک چوبچه هم زنند این طلا

و زرنیخ را خوب تا آنکه خوب مخلوط هم بشود و آنوقت آن
طلا و زرنیخ ملغمه بشود بمثل آب بعد از آن آن بوته را از
روی کوره بگذارد زمین و بعد از آن بیاورد هر چیزی را
که میخواهند مطلا کنند یا از نقره یا از مس یا از برنج یا از
از هر چیزی که میخواهند مطلا کنند بیارند آن چیز را
و بگذارند توی کوره و بدمند تا آنکه این چیز سرخ بشود
و بگذارند تا آنکه چیز نیم گرم بشود بعد از آن از همان ملغمه
طلا و زرنیخ بمالند روی آن چیز خوب و متوجه بشوند
که صاف و یکجا مطلا کنند و متوجه بشوند که تمام
روی و همه جای آن چیز را یکجا از آن ملغمه طلا
و زرنیخ بمالند بعد از آن که خوب خاطر جمع شدند که
مجموع آن چیز را مطلا نموده آنوقت آن چیز را

بگذارند

والله اعلم بالصواب

بگذارند روی کلک آتش و ذغال همراه باد بزن باد
بزنند خوب تا آنکه آن زرنیخ برود و آن طلا نمایان بشود
که خوب آن طلا جلوه نما شود بعد از آن از روی آتش ور دارند
اگر خدا نخواسته جائی از آن را مطلا نگرفته باشد هم مرتبه
مطلا نمایند بطریقی که ذکر شده است والسلام
و این نسخه صحیح میباشد و این طریقه از آقا کاظم اصفهانی
پولک ساز درویش علی کاشی به این حقیر رسیده است
والله اعلم بالصواب

ایضاً

در باب طریقه گرفتن جوهر زرنیخ میباشد که
اول بگیرند زرنیخ طلائی ورق خوب هشتاد مثقال و
صابون چهل مثقال آنها را یکی کرده [illegible] چهل مثقال آب
اول زرنیخ را خوب نرم کوبیده که بسیار [illegible]

صلّایه نموده باشند بعد از ان صابون را تراشیده
داخل هم کنند و خوب سحق و صلّایه نموده
که باید زرنیخ و صابون خوب داخل هم کرده و خوب
کوبیده نرم که خوب نرم شود بعد از ان آب کرده
بزرا داخل اجزاء نموده و باز بکوبند و صلّایه نمایند
خوب که بسیار بسیار نرم شود بعد از ان بطریق کرده
این اجزاء را گلوله کنند و در کوزه آب نمیده بگذارد
و در کوزه را سفال گذاشته و دور او را با لای تخم
شنفیده تخم مرغ محکم گرفته و بعد همه کوزه را گل حکمت
بگیرند و بگذارد خشک شود در آفتاب و بعد از ان که خشک شد
بگیرد و یک شب در گلخن حمّام در زیر آتش بگذارد بیش داد
بعد از یک روز و یک شب کوزه را از زیر آتش در آورده و بگذارد سرد شود

و بعد کوزه را شکسته اجزاء را از میان کوزه در آورده
و در هاون گذارد و بسیار بسیار کوبیده که خوب نرم شود
بعد از ان در میان ظرفی بریزد و از آب بشوید
خوب که تا سواد او گرفته شود چهار پنج دفعه از آب
بشوید خوب که تا خوب سواد او گرفته شود بعد از ان
همان جوهر را در آفتاب گذارد که خشک شود
بعد قدری کتیرا داخل نموده و خوب بکوبند که نرم شود
بعد او را با روغن کرچک خمیر کنند و گلوله
کنند و بعد از ان بیارد دو کاسه سفالی با غضاره
که آن کاسه یکی بزرگ باشد و یکی از ان کوچک تر
باشد و هر دو کاسه را با گل حکمت بگیرند مضبوط اما
آن کاسه روئی را بقدر یک بند انگشت او را گل بگیرند

بدانکه باید کاسه کوچک‌تر در روی کاسه بزرگ‌تر
سوار باشد و ته کاسه بالائی را سوراخ نمود
بقدر عدسی سوراخ کنند بعد از آن که کاسه‌ها را
بگل حکمت گرفتی بگذار خشک شود بعد از آن
که خشک شد کاسه‌ها را روی کوره سوار کنند
امّا باید که کاسه بزرگ روی کوره باشد و کاسه
کوچک روی کاسه بزرگ سوار باشد امّا باید اول
اجزاءها را توی کاسه بزرگ ریخته و بعد سر کاسه‌ها
را به لاسرخ و آهک و سفیده تخم مرغ و کرباس بند
و بدانکه باید از آتش تا به کاسه چهار انگشت فاصله
داشته باشد بعد از آن آتش نرم دو سه روزی کرده
از چوب خشک و قدری پشم یا پنبه در سر چوبی

پیچیده

پیچیده باندازه سوراخ ته کاسه کوچک و آن
چوب پشم پیچیده را در آن سوراخ فرو کنند
و هر لحظه یکدفعه ملاحظه کنند اگر پشم را زرد کرده باشد
باز بقیه از دود و چربی باقی مانده باشد و هر وقت که
آن پشم سر چوب مثل شبنم عرق نفیده به آن
پیچیده باشد آنوقت آن سوراخ را محکم بگیرد از
گل و بعد آتش را هر روز کنند و بدانکه کل نمر آن
آتش را از صبح تا ظهر طول بکشد بعد از آن آتش را
بکنند و بگذارند تا سرد شود بعد از آن که سرد شد
کاسه را بشکنند و جوهری که متصعّد شده است یعنی
بالا رفته است بگیرند و در هاون نموده خوب سحق و
صلایه نموده و در آب ریخته اگر سوادی دارد بگیرند

[illegible] والله اعلم

و بعد از آن در بوته ریخته آب کنند و در ریچه ریخته و بعد از آن
یکمثقال این جوهر را بر ده مثقال زهره تنقیه
کرده طرح کنند و چهار رنگ هم قمر اعلا اعلا
مایه داده و در ریچه ریخته که قمر اعلا خواهد بود
و بکار رق خوب میخورد والسلام و اگر خواهد
که جوهر را هفت تصعیده شود باید هفت مرتبه
به این کیفیت تصعید کند یعنی در دو کاسه
تصعید باید کرد و هر دفعه که تصعید میکند باید
باروغن کرچک باروغن کرد و چرب کنند
و صلایه کنند و در کار کنند و تصعید نمایند
که انشاالله در تصعید هفتم مرتبه هست که نه نشان شود
والله اعلم بالصواب هم و این نسخه را
بعالیجناب

عالیجناب آخوند ملا عبدالله قمی معلم نور چشمی علی محمد
بطریق یادگاری به این حقیر لطف نموده اند
والله اعلم بالصواب هم ایضا
در باب طریقه گرفتن جوهر سم الفار سفید
بدانکه بگیرند سم الفار سفید ده مثقال
نمک ترکی ده مثقال داخل هم کرده خوب
سحق و صلایه نموده و بعد در شیشه قرع کرده
و همه شیشه را یعنی تا دم گلوی شیشه را گل
حکمت گرفته و بگذارد خشک شود از وقت
ان شیشه را روی کوره گذاشته و بقدر
صد درم بوزن شاه همه خشک در زیر شیشه
کم کم آتش نموده و سر شیشه را باز گذارد

[illegible] ... والله اعلم بالصواب ۵

بعد ازان که آتش او تمام شد بگذارد تا شیشه سرد
شود آهی که شیشه سرد شد آنوقت آن شیشه را
بشکند و جوهران در گلوی شیشه چسپیده است
بردارد که آن جوهر مهیا شد والله اعلم بالصواب
واین نسخه از درویش علی کاشی به این
حقیر رسیده والله اعلم بالصواب

ایضا در باب عمل شمس مهیا شد

بدانکه بگیرد عقاب خوب ده مثقال اول عقاب را
خوب نرم کوبیده که خوب نرم شود بعد ریخته در کاسه
چینی و بقدر چهل مثقال آب روی او ریخته و در
آفتاب گذارد دو روز آنوقت در ان کاسه عقابی
بسته میشود که او را عقاب افتابی میگویند خلاصه

آن عقاب را

آن عقاب را گرفته هر قدر که هست در آفتاب گذارده
خشک شود و مقابل آن عقاب بلا اسخ گرفته
و کوفته نرم و در دوات چینی ریخته بقدر آنکه
آن حرارت اضافه شود که پر نشود که میوزد و حرارات
در حرارت را بگل حکمت گرفته و خود دوات را
هم بگل حکمت گرفته و بگذارد تا آنکه خشک شود
بعد ازان بیاورد بقدر بیست پنج لوزن شاه
به این خشک آب را و آنوقت آن حرارات را
درمیان به این فرش لحاف نموده و از بالا
آتش کرده بگذارد تا تمام به این بسوزد بعد
بگذارد که خوب سرد شود بعد ازان حرارات را
درآورده و آن اجزا را از توی حرارات در آورده

ایضا [illegible] انقدر [illegible] خوب [illegible] میکنند وان [illegible] ان [illegible] عقاب [illegible] میکنند وان عقاب [illegible]
ایضا [illegible] قلیا [illegible] قلیا [illegible] میکنند [illegible] و [illegible] میکنند و [illegible] علم
بالصواب

و بعد ازان یکمثقال ازاین صدارا بر چهار مثقال قمر
اعلا ذوب کند و در حین آب کردن بقدر
دو مثقال شوره قلم کم کم بهان قمر بزنند
و چهار مثقال نیم هم شمس مایه بزنند و در ریخته
که شمس اعلا خواهد بود والله اعلم بالصواب هم
بدانکه ده مثقال ازاین عقاب مصعد اقتابی را
با ده مثقال شوره داخل هم صلایه نموده هرانکه
ان نمش شمس را در آتش سرخ نموده خوب
و سه مرتبه در میان این شوره و عقاب خوابانیده
خوب که رنگین و اعلا خواهد [illegible] و بدانکه اشرفی را
پیش از مسکوک کردن ازاین عقاب و شوره
فرش لحاف نموده در بوته هر قدر اثر فی بهمت
واوقت در [illegible]

انوقت در بوته را با خود بگل حکمت گرفته و بگدازند
و بعد ازان بقدر صد درم به این نوزین شاه اورده
و دس داده سه دفعه که خوش رنگ و خوش
محک و نرم و اعلا خواهد بود والله اعلم بالصواب هم
و این نسخه از درویش علی کاشی به این حقیر رسید
والله اعلم بالصواب هم ایضاً
در باب ساختن موم کافوری و سفید کردن موم
های زرد است بدانکه باید بیاورد موم زرد را خرده خرده
کنند هرچه خرده تر باشد بهتر است انوقت بیارد
قدری کرباس در روی یک بادیه مس ببندد
و توی بادیه را قدری آب به چکاند و بعد ازان
ان خرده خرده های موم را روی کرباس بگذارند

ایضاً [illegible] والله اعلم هم

اما خیلی بگذارید کم موم بگذارید تا زود آب شود
و آنوقت آن بادیه را در آب بسیار گرم بگذارید
گذاشت تا آن موم ها زود آب شود و آن
موم ها که آب میشود در توی بادیه میریزد و بسیار
بسیار موم سفید قالبی میشود و همان موم
موم کافوری میباشد والله اعلم بالصواب تم
و این نسخه در شیراز از آقا میرزا ساعد ساز اصفهانی به این
حقیر رسیده است والله اعلم بالصواب تم
ایضاً در باب عمل شمس مناسفه است
بدانکه بیاورید حدید محمر ده مثقال قمر خالص اعلا
ده مثقال این دو جسد را داخل هم زوب کنند
و در قال گذارد بعد از آن قمر محمر از قال در

خواهد آمد

در خواهد آمد آنوقت یکمثقال از این قمر محمر را با
یکمثقال شمس بسیار اعلا زوب کنند
و در ریجه ریزند که شمس بسیار اعلا خواهد بود
والله اعلم بالصواب تم و طریقه ساختن حدید محمر
بدانکه حدید براده خوب صاف شش مثقال
لاسرخ خوب ۳ مثقال بوره یکمثقال شیشه سفید خوب
یکمثقال همه اجزاء را داخل هم سحق و صلایه نموده
و بعد در بوته ریخته و فرش لحاف این اجزاء را
شیشه سفید خوب کوبیده و ریخته و در کوره
زرگران به گداز خوب و در ریجه ریخته که شش کوره
و بعد بگذارد سرد شود و بعد از سرد شدن آن جسد را
از چکش تکه تکه نمایند و باز لاسرخ ۳ مثقال کوفته

خوب نرم پوره یکمثقال نرم کوبیده داخل هم کرده
و دو مثقال هم سنگ شیشه سفید کوبیده و در بوته فرش
لحاف این اجزا نموده و در کوره زرگران گذاشته
و دمیده تا خوب ذوب شود و در ریخته ریخته
شمش کند خلاصه اینکه تا پنج دفعه یا تا هفت دفعه
به همین طریق فرش لحاف نموده و ذوب کرده
بعد از هفت مرتبه یا پنج مرتبه که دفعه اخری نموده
باشد انوقت یکدفعه بقدر دو مثقال شیشه
بسیار سفید صاف خوب اورده و کوبیده و نیم
لااثرخ با و بهمان شیشه خالی باشد و فرش لحاف
ان حدید تکه تکه ها کنند و ذوب کنند و در ریخته
ریخته که چند قرمز شفاف یاقوتی بسیار

خوب

خوب خواهد بود والله اعلم بالصواب تمم وبدانکه
درویش علی کاشی مذکور نمود که طریقه محمد حدید ثابت
که بیست مثقال حدید و شصت مثقال
لااثرخ را سه دفعه ذوب کنند و هر دفعه بیست
مثقال لااثرخ ذوب کنند که شصت مثقال
لااثرخ را در سه دفعه ذوب بکار برند و در ریخته ریخته
که محمد خواهد بود والله اعلم بالصواب تمم
واین نسخه از ملا محمد علی سنگ تراش قم به
این حقیر رسیده است والله اعلم بالصواب تمم
درباب طریقه ساختن ضرب محمد بدانکه
یکمن ضرب خوب بیست مثقال تکه تکه نموده خوب
بعد بیارد لااثرخ خوب بیست مثقال واین لااثرخ برا

خوب کوبیده نرم بعد فرش لحاف ضرب نموده
در توی بوته بعد بقدری که میخواهد شیشه سفید خوب
کوبیده و فرش لحاف آن لاسرخ نموده
در توی بوته و در کوره گذاشته و دمیده خوب
تا آنکه زوب شود خوب و در وقت زوب
کردن قدری بوره زنند بلکه هم قدری کمی هم
داخل اجزاء در بوته بوره بکنند خلاصه بعد از آن که
خوب زوب شد در ریچه بریزد و بعد از آن باز
آن ریچه ریخته را تکه تکه نموده و به همین طریق
اول با هبت مثقال لاسرخ و بوره و شیشه سفید
در بوته زوب نموده و در ریچه ریخته تا ۳ مرتبه
و بعد از ۳ مرتبه آن بیت مثقال ضرب محمر شده

آن بیت مثقال

و آن هبت مثقال ضرب محمر را با هبت مثقال قمر خوب
زوب نموده و در وقت زوب نمودن قدری بوره
زنند و در ریچه بریزد بعد از آن بل هنا صفه شمس خوب
مایه زنند و در ریچه بریزد و هر گاه خشک شد با در خلاص
کم آتشی گذار زنند که نرم خواهد شد والسلام
ایضاً بدلتة راح دیگر لتة در وقتی که با قمر ضرب محمر را
زوب نمودی آن وقت در قال گذارد و بعد از آن
از قال در آورده قمر محمر شده است یکی قمر دکی
شمس مایه زنند و در ریچه ریخته که اعلا خواهد بود
ایضاً بدلتة راح دیگر لتة بعد از آن که از قال در آوردی
آن وقت باز هبت مثقال ضرب محمر دیگر با آن قمر
قال در آورده زوب کنند و در ریچه ریخته و در قال گذارد

بعد ازان که زرقال در اورد باز با بیست مثقال دیگر
از ضرب محمد باان قمری که زرقال در اورده است
زوب کند و در ریجه بریزد و باز در قال گذارد و هم
چنین مکرر کنند تا نه ۹ مرتبه چنین کنند بعد ازان
که نه ۹ مرتبه چنین کرد انوقت سی مثقال ازان
قمر محمد شده که زرقال در اورده است با
یکمثقال شمس ماه بزنند و در ریجه ریخته که انشاالله
تعالی اعلا خواهد بود والله اعلم بالصواب
و این نسخه از درویش علی کاشی به این حقیر
رسیده است والله اعلم بالصواب

ایضا دهاب آب طریقه ساختن عمل
شمس بدلکه یکمرند شنجرف نه ناسیده فرنگی
خوب

خوب یکمثقال آب ترنج اصل صحیح خوب ده مثقال
بدلکه هرگاه آب ترنج نباشد اب لیموی اصل
دستافشار هم خوب است خلاصه لکه این ده
مثقال آب ترنج را با ان یکمثقال شنجرف خوب
سحق و صلایه نموده تا تمام شود و بخورد شنجرف برود
بعد ازان شمع کند و گلوله کند و در افتاب
خوب خشک کند و با همین ابو نهل صلایه نموده
جبه کند به این طریق که اول ابو نهل را خوب نرم
سحق و صلایه کنند و بعد ان گلوله های
شنجرف را با آب دهن ترکرده و در میان این
ابو نهل صلایه کرده بغلطانند خوب همه اطراف آن
شنجرف گلوله را که خوب جبه شود بعد ازان در

ظرف چینی یا کاشی که بگل حکمت گرفته دمس داد
به بیه این رب درده سیر به این خشک رب آب باشد
بعد از ان در اورده هر گاه روی جبه سیاه شد
که خوب ورلاسه دمس بدهد بعد دراورده
انوقت یکمثقال قمر خوب اعلا را زوب کنند
و یک نخد یا دو نخد از این شنجرف صنابت
شده را به قمر طرح نمایند که قمر محجر میشود دو
مثقال هم شمس اعلا اعلا مایه زنند و در جبه
بریزند که اعلا اعلا خواهد بود والسلام
بدانکه هر گاه یکمثقال قمر که ده نخد شنجرف صاف را
زنند باید ده نخد علاوه بیاید هر گاه علاوه
نیامده باشد باید دو مرتبه ان شنجرف را دمس دهند
کهنه لکی

که صابت شود والله اعلم بالصواب ه
بدانکه این نسخه را خود لازین العابدین خواجه
براین حقیر مرحمت نموده اند بعد از سعی بسیار
و دوندگی بی شمار این نسخه را لطف نموده
و قسم یاد نمودند که مکرر این عمل را خودم کرده ام
و بی عیب میباشد و ترکیب بسیار بسیار خوبی میباشد
و در خلاص هم بی نقص و تمام بیرون میاید
و در دوش جلا کاشی هم همه را تصدیق نموده
و باز قسم یاد نمود که این نسخه را بی کم و زیاده تو
داده ام والله اعلم بالصواب ه ایضا
درباب همین عمل شمس انو علی که لازین العابدین
خواجه بکمترین نسخه او را داده اند که همین نسخه میباشد

که در همین صفحه پیش همین کتاب نوشته ام
و حال این نسخه که حال نوشته میشود این نسخه
از قول درویش علی کاشی مذکور میشود بدانکه
درویش علی بمن گفت که این نسخه شمس
ابوعلی که از زین العابدین خواجه به تو داده این نسخه را
درست و صحیح نداده است و ناقص میباشد
لاکن نظر به رفاقت و آشنایی که فیمابین
من و تو هست حال من درست و صحیح
این نسخه را به تو میدهم و حال این نسخه
که مذکور و نوشته میشود از قول درویش
علی کاشی مذکور میشود در دار الامان فتحپور
بزیر قلعه است والله اعلم بالصواب بدانکه
تمت

نسخه عمل شمس ابوعلی من گفته درویش علی کاشی
میباشد بدانکه بگیرند شنجرف نه نمایده خوب
فرنگی ده مثقال آب لیموی دشت افشار صحیح خوب
پنجاه مثقال اول شنجرف را خوب سحق و صلایه نموده
و بعد این پنجاه مثقال آب لیمو را در سحق صلایه
کم کم بخورد آن ده مثقال شنجرف بدهید تا آنکه
آن پنجاه مثقال آب لیمو کلن بخورد آن شنجرف رود
بعد از آن بگیرد نشادر افغانی خوب پنجاه مثقال
شوره سه قلم خوب پنجاه مثقال این سه را اجزا
داخل هم کرده و خوب سحق و صلایه نموده بعد از آن
در شیشه فرع نموده و نقطیر کنند به آتش زغال
ملایم آن آبی که از این عمل میاید بقدر ده مثقال

طلای دو بوتهٔ خوب را خورد براده نموده و در بوتی
این آب را ریخته و آن وقت این آب را با طلا در قرع
و انبیق کرده و به آتش ملایم تقطیر کنند تا آب
تمام شود و آن طلا حل شود و بعد از آن این سه مثقال
طلا را بده بدستان ده مثقال شنجرف که به آب لیمو
صلایه نموده بوده و خوب باز سحق و صلایه کنند
و بعد از آن گلوله کنند که پنج دانه بشود و بعد قلیه
پنج مثقال ابوتهلی بیاورد و خوب صلایه کنند
و قدری هم لعاب کتیرا داخل کنند که خمیر کنند
و بعد از آن حبه این پنج گلوله کنند و بگذارند
که خشک شود بعد از آن بیاورد نیم مثقال
لاک سرخ را و خوب صلایه کنند و با سفیده تخم
مرغ

مرغ که معجون شود و بعد حبه آن ابوتهل کنند
و بعد بگذارند در سه روز در آفتاب که خوب خشک شود
بعد از آن بیاورد یکمن نیم بوزن شاه این
خشک است را و سه قسمت کنند و هر قسمی را
یکروز آتش کنند و این پنج دانه گلوله ها را
در میان یک قسم آن به این گذارد و آن به این
فرش لحاف کنند و آتش کنند و دم داده
و بعد که سرد شد در اولیه در قسمی دیگر دم داده
بطریق اول و هم چنین در قسم سیم دم داده
تا آنکه این سه قسمت به این تمام شود که سه دم
خورده باشد بعد از آن این ابوتهلها را بشکنند
و آن شنجرف را در آورده که ثابت میباشد

وانوقت یک نخود از این شنجرف را یکمثقال
قمر اعلا طرح نمایند و یکمثقال هم شمس زر اعلا
مایه دهد که اعلا خواهد بود والسلام
ایضاً دو نخود از این شنجرف را یکمثقال
قمر طرح کنند و نیم مثقال هم شمس مایه زنند
که اعلا خواهد بود ایضاً نیم مثقال از این
شنجرف را بر چهار مثقال قمر طرح کنند
و یکمثقال و شش نخود هم شمس مایه بزنند
که اعلا خواهد بود که انشاالله تعالا هر سه
قسم زر خلاص بیرون خواهد آمد والسلام
والله اعلم بالصواب ایضاً
در باب عمل شمس ابوحیّه من کلام حاجی میرزا محمد حکیم

کهکی از بلوک قسم طلا شد بدانکه حاجی میرزا
محمد حکیم مذکور نمود که این نسخه شمس ابوحیّه را
شخصی بود نظر بیک نام بمن داده و نظر
بیک قسم ها یاد نموده که اکثر کرده ام و
شده است و زر خلاص هم بیرون آمده است
و حاجی میرزا محمد حکیم گفت که من خودم هم کرده ام و
شده است لاکن از من زر خلاص بیرون نیامده
چون واجب بود تحریر شد خلاصه الکلام این
نسخه از حاجی میرزا محمد بطریق یادگاری این
حقیر مرحمت فرموده اند والله اعلم بالصواب
طریقه فرموده حاجی میرزا محمد حکیم در باب نسخه شمس
ابوحیّه بر این طریق است بدانکه طریق صفحه منا

شمسی بوتۀ چلی شنجرف هر قدر خواسته باشی در
ظرف چینی باد و مقابل آن آب نارنج واگر نباشد
آب لیمو سحق و صلایه نیکو بکن تا آب تمام شود
بعد از آن گلوله بقدر نخودی یا فندقی کرده بگذارد
تا نیکو خشک شود در آفتاب و مبالغه در خشک
شدن بکنند بعد ابوچلی را نیکو بند و صمغ عربی
را در پیاله کرده حل کنند آنگاه گلولها را
بلعاب صمغ عربی آلوده در میان ابوچلی انداخته
که جبه نخود بر دارد و در آفتاب خشک کنند
واگر ترکیده شود باز موضع ترکیده را بلعاب
صمغ عربی مالیده در میان ابوچلی انداخته بگذارند
خشک شود آنگاه گلولها را در حقه ته پهن چینید
که بالای هم

که بالای هم نباشد بعد از آن که حقه را بگل حکمت گرفته
خشک کرده باشند گذاشته در حقه را
بگذارد و بگل حکمت محکم کند و بگذارد خشک شود
آنگاه در زیر یکچار یک زبل اسپ بگذارد
و آتش تیز زند که زبل سوخته شود و دو سه دفعه
در پایین سوختن زبل حقه را با انبر حرکت بدهند
که همه اطراف گلولها یکسان شود بعد که زبل
سوخت حقه را بیرون بیاورد و گلولها را از
ابوچلی پاک کنند آنگاه یک نخود از شنجرف
ثابت را با یکمثقال قمر خالص در بوته در جاین
ذوب بنیدازد قمر را مجمر کنند و اندک بوره
بزند که گداز خوب بردارد آنگاه یکمثقال طلای



باجاقلو در چاین زوب بنیدارد و به اندک
دار اشکنه بزنند بهتر است والّا فلا پس
بر بچه ریخته صفحه نازک بکنند و به خلاص
بگذارند طریق خلاص این است که کوزه کوچکی
را سر از اب شکنند و صفحات را زاج سفید و
نمک واجر بالوئیه کوفته الوده کنند و بر روی
هم به چینند و در میان کوزه گذارند و اطراف
ان را اجر پاره بریزند تا سر کوزه و یکروز در اتش به
کنند که ده مثقال بیت من هیمه بسوزد
ازاین قرار والله اعلم بالصواب هم

ایضا

[illegible] گنه‌کار
بر [illegible] روزگار سرگشته کار [illegible]
[illegible]